درس ۳۹

۱	**دعا**

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	**در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه)** **اول پطرس**

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (اول پطرس ۳- ۵) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان میگذارد، بحث نکنید.

۳	**حفظ کردن (۵ دقیقه)** **عنوان مجموعه: والدین مسیحی**

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: تعلیم دادن کلام خدا - تثنیه ٦: ٦- ٧

٤	**تعلیم (۸۵ دقیقه)** **کاربرد تادیب و توبیخ**

مقدمه: این درس در مورد اصول تأدیب و توبیخ و نحوه کاربرد آن می‌باشد. تأدیب و توبیخ به معنی بکارگیری نوعی مراقبت و نظارت بر زندگیِ اعضای کلیسا می‌باشد. این نظارت و مراقبت محدود به اعمال اشتباه می‌گردد و به هیچ وجه به کل زندگی شخص، چه در داخل و چه در خارج کلیسای محلی مربوط نمی‌شود. هدف از تأدیب و توبیخ، مجازات شخص خطاکار نمی‌باشد، بلکه برگرداندن شخص به سوی مسیح و به طریق تنگ و باریک عیسی مسیح. در این درس درباره بکارگیری تأدیب و توبیخ، روش و شیوه تأدیب و راهنمایی‌هایی برای بکارگیری تأدیب خواهیم آموخت.

الف - <u>دلایلی برای بکارگیری توبیخ و تأدیب</u>

۱ - <u>فرمان اجرای توبیخ و تأدیب</u>

مقدمه: مسیحیان، گناهکاران نجات‌یافته می‌باشند. آنها بی گناه اعلام شده‌اند. یعنی اینکه تمام گناهان آنها بخشیده شده و در روز داوری نهایی بر علیه آنها به حساب نمی‌آید، چرا که به عیسی مسیح ایمان دارند (یوحنا ۵: ۲٤). اگرچه مسیحیان دائماً به وسیله کار روح القدس در درون آنها و عمل سایر مسیحیان، مقدس می‌گردند، با وجود این، باز هم مرتکب گناه می‌شوند (اول یوحنا ۱: ۸ ، ۱۰؛ ۲: ۱). اغلب موارد مسیحیان گناه خود را اعتراف می‌کنند و مجدداً بخشش و پاکی را دریافت می‌دارند (اول یوحنا ۱: ۹). اما زمانی که از گناه خود توبه نمی‌کنند، توبیخ و تأدیب ضروری می‌گردد.
بخوانید: متی ۱۸: ۱۵ ؛ اول قرنتیان ۵: ۹- ۱۳
کشف و گفتگو کنید: در چه مواردی مسیحیان می‌باید توبیخ و تأدیب را بکار گیرند؟
ملاحظات: مواقعی وجود دارد که مسیحیان هنوز از گناه خود توبه نکرده اند و یا نمی‌خواهند توبه کنند. گاهی اوقات سعی می‌کنند خود را موجه نشان دهند و در سایر مواقع، دیگران را بخاطر گناه خود ملامت و سرزنش می‌نمایند. در متی ۱۸: ۱۵ عیسی به مسیحیان فرمان می‌دهد که «اگر برادرت به تو گناه کرده باشد، برو و او را میان خود و او در خلوت الزام کن». بنابراین مسیحیان زمانی که می‌بینند یا می‌فهمند که مسیحی دیگری مرتکب گناه شده است، باید توبیخ و تأدیب را بکار گیرند. در اول قرنتیان ۵: ۱۲- ۱۳، پولس رسول تعلیم چنین می‌دهد: «زیرا مرا چه کار است که بر آنانی که خارج اند داوری کنم؟ آیا شما بر اهل داخل داوری نمی‌کنید؟ لکن آنانی را که خارج اند خدا داوری خواهد کرد، پس آن شریر را از میان خود برانید». بنابراین مسیحیان زمانی که می‌بینند یا پی می‌برند که برادری در گناهانی خاص (حتمی) و جدی از قبیل، فساد جنسی، حرص و طمع برای پول، قدرت یا شهرت، بت‌پرستی، تهمت زدن به دیگران، مستی یا کلاه‌برداری در تجارت و سایر موقعیت‌ها ادامه می‌دهد، می‌باید توبیخ و تأدیب را بکار گیرند.

۲ - ارزش بکارگیری توبیخ و تأدیب

بخوانید: امثال ۳: ۱۱- ۱۲ ؛ ٦: ۲۳ ؛ ۱۰: ۱۷ ؛ ۱۵: ٥ ؛ جامعه ۸: ۱۱ ؛ عبرانیان ۱۲: ۱۰- ۱۱
کشف و گفتگو کنید: ارزش زیاد بکارگیری توبیخ و تأدیب چیست؟

الف) انضباط مانع گسترش گناه می‌گردد.
جامعه ۸: ۱۱ چنین هشدار می‌دهد: «چونکه فتوی بر عمل بد بزودی مجرا نمی‌شود، از این جهت دل بنی آدم در اندرون ایشان برای بدکرداری جازم می‌شود». امثال ۱۰: ۱۷ نیز چنین هشدار می‌دهد: «کسی که تنبیه را ترک نماید، گمراه می‌شود». بنابراین توبیخ و تأدیب در خانواده، کلیسا و جامعه به منظور جلوگیری از گسترش گناه و مبارزه با خطا، مورد نیاز می‌باشد.

ب) توبیخ و تأدیب باعث رشد روحانی می‌شود.
بر اساس امثال ۱۵: ٥، توبیخ و تأدیب باعث رشد حکمت می‌گردد. و عبرانیان ۱۲: ۱۰- ۱۱ چنین تعلیم می‌دهد: «زیرا که ایشان اندک زمانی، موافق صوابدید خود ما را تأدیب کردند، لکن او به جهت فایده تا شریک قدوسیت او گردیم، لکن هر تأدیب در حال، نه از خوشیها بلکه از دردها می‌نماید، اما در آخر میوه عدالت سلامتی را برای آنانی که از آن ریاضت یافته اند بار می‌آورد». بنابراین، توبیخ و تأدیب برای رشد روحانی ضروری است. مسیحیانی که مورد توبیخ و تأدیب قرار گرفته‌اند، در نقشه‌ها و برنامه‌های خود حکیم‌تر، و در رفتار خود مقدس‌تر و در اعمال خود پرثمرتر می‌گردند.

پ) توبیخ و تأدیب ما را به تجربه حیات و محبت رهبری می‌کند.
امثال ٦: ۲۳ تعلیم می‌دهد که "توبیخ تدبیرآمیز طریق حیات است". و امثال ۳: ۱۱- ۱۲ تعلیم می‌دهد که یک مسیحی نباید از توبیخ و تأدیب خداوند روی گردان باشد، چرا که او اشخاصی را که دوست دارد تأدیب می‌نماید. بنابراین، توبیخ و تأدیب طریقی است که بوسیله آن خدا محبت خود را نسبت به شما ابراز می‌نماید، چرا که او فقط خواهان بهترین برای شما می‌باشد.

ب - شیوه بکارگیری توبیخ یا تأدیب

۱ - انواع مختلف توبیخ و تأدیب

مقدمه: در کتاب مقدس هفت نوع مختلف توبیخ و تأدیب وجود دارد: تأدیب الهی، تأدیب حکومتی، تأدیب والدین، تأدیب رسولی. در این مطالعه بطور خلاصه در مورد آنها گفتگو خواهیم نمود. البته انواع انضباط شخصی، تأدیب متقابل و تأدیب کلیسایی نیز وجود دارد که آنها را با جزئیات بیشتری مورد مطالعه قرار خواهیم داد.
بخوانید: امثال ۱۳: ۲٤ ؛ رومیان ۱: ۱۸ ؛ رومیان ۱۳: ۱- ٥ ؛ غلاطیان ۱: ٦- ۹
کشف و گفتگو کنید: چه دلایل مختلفی برای خدا و اشخاصی که صاحب اختیار و صلاحیت می‌باشند برای بکارگیری توبیخ و تأدیب وجود دارد؟

الف) تأدیب الهی
خدا قوم اسرائیل را زمانی که از او روی برگرداندند و همچنین سایر ملتها را به دلیل بت پرستی و فساد اخلاقی تنبیه و مجازات کرد (رومیان ۱: ۱۸). عیسی مسیح هفت کلیسای تاریخی مکاشفه را تنبیه نمود و به همان صورت کلیساهای امروز را تنبیه می‌نماید. برای مثال او می‌فرماید: «لکن بحثی بر تو دارم: که محبت نخستین خود را ترک کرده ای». «لکن بحث کمی‌بر تو دارم: در آنجا اشخاصی را داری که متمسکند به تعلیم بلعام که بالاق را آموخت که ... قربانی بتها را بخورند و زنا کنند». «اعمال تو را می‌دانم، که نه سرد و نه گرم هستی ... هرکه را من دوست می‌دارم، توبیخ و تأدیب می‌نمایم». (مکاشفه ۲: ۲- ٤ ، ۱٤- ۱٦ ، ۲۰- ۲٤ ؛ ۳: ۲- ۳ ، ۱۵- ۱۹). آنچه را که عیسی مسیح به آن هفت کلیسای تاریخی مکاشفه گفت، اکنون به تمام کلیساهای این جهان می‌گوید (مکاشفه ۲: ۷). هیچ مسیحی و کلیسای مسیحی از تأدیب و توبیخ مسیح معاف و مستثنی نمی‌باشد.

ب) تأدیب حکومتی
خدا به حکومتهای جهان اختیار و مسؤولیت تنبیه و مجازات خطاکاران را بخشیده است. آنها خادمین خدا هستند و باید باعث ترس و وحشت اشخاصی که کار خطا انجام می‌دهند، باشند. آنها اختیار دارند که شمشیر را بردارند، یعنی اینکه مجازات مرگ را اجرا کنند (رومیان ۱۳: ۱- ٥). با وجود این، تمام حکومتها فقط اختیار محدودی دارند. برای مثال، آنها نمی‌توانند مانع کار خدا از طریق عیسی مسیح، در کشورشان گردند (اعمال ٥: ۲۹).

پ) تأدیب والدین
خدا همچنین به والدین اختیار و مسؤولیت بخشیده است تا در مواقع ضروری فرزندانی را که هنوز تحت تکلف آنها هستند تأدیت نمایند. پدر یا مادری که فرزند خود را دوست دارد، مواظب است که او را در زمان لازم تأدیب نماید (امثال ۱۳: ۲٤). کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که «پسر خود را تأدیب نما که تو را راحت خواهد رسانید و به جان تو لذت خواهد بخشید» (امثال ۲۹: ۱۷).

ت) تأدیب رسولی
عیسی مسیح به رسولان خود اختیار خاصی بخشید که اشخاصی را که به کلیسا اضافه یا از آن اخراج کنند (متی ١٦: ١٨- ١٩؛ ١٨: ١٨؛ اعمال ٥: ١- ١١ ؛ ٨: ١٤- ١٧ ؛ غلاطیان ١: ٦- ٩). مجازات و تنبیه رسولی دیگر وجود ندارد، چرا که دیگر هیچ یک از رسولان مسیح وجود ندارند (اعمال ١: ٢١- ٢٢). البته «رسولان» به مفهوم مبلغین مبشر و نمایندگان کلیساها وجود دارد (اعمال ١٤: ١- ٤ ,٢٦- ٢٨ ؛ دوم قرنتیان ٨: ٢٣ ؛ فیلیپیان ٢: ٢٥ ؛ اول تسالونیکیان ٢: ٦- ٧). اما آنها همان اختیار و اقتدار دوازده رسول عیسی مسیح را ندارند.

٢ - انضباط شخصی

بخوانید: متی ١٨: ٧- ٩ ؛ لوقا ٦: ٤٢- ٤٣ ؛ رومیان ١٦: ١٧- ١٨ ؛ دوم یوحنا ٩- ١٠
کشف و گفتگو کنید: چگونه همه مسیحیان می‌باید انضباط شخصی را بکار گیرند؟
ملاحظات: هر فرد مسیحی مسؤولیت شخصی دارد که انضباط شخصی را در زندگی خود بکار گیرد. برای استفاده از فیض خدا، هر شخص مسیحی می‌باید از اراده خود در جهت تعهد دوباره خویشتن برای بکارگیری مرتب انضباط شخصی استفاده نماید.

الف) هر شخص مسیحی مسؤول است که باعث به گناه افتادن دیگران نگردد.
در متی ١٨: ٧- ٩، عیسی می‌گوید: «وای به این جهان به سبب لغزشها، زیرا که لابد است از وقوع لغزشها، لیکن وای بر کسی که سبب لغزش باشد».

ب) هر شخص مسیحی مسؤول است گناه شخصی خود یا عادت‌های بد خود را ترک نماید.
در لوقا ٦: ٤٢- ٤٣، عیسی چنین تعلیم می‌دهد: «و چگونه بتوانی برادر خود را گویی، ای برادر اجازت ده تا خس را از چشم تو برآورم و چوبی را که در چشم خود داری نمی‌بینی. ای ریاکار، اول چوب را از چشم خود بیرون کن. آنگاه نیکو خواهی دید تا خس را از چشم برادر خود برآوری. زیرا که درخت نیکو میوه بد بر بار نمی‌آورد و نه درخت بد، میوه نیکو آورد».

پ) هر شخص مسیحی مسؤول است که از اشخاص تفرقه‌انداز و معلمین دروغین دوری کند.
رومیان ١٦: ١٧- ١٨ و دوم یوحنا ٩- ١٠ تعلیم می‌دهند که مسیحیان می‌باید از اشخاصی که باعث جدایی و تفرقه می‌گردند و همچنین از معلمین دروغین دوری نمایند.

٣ - تأدیب متقابل

بخوانید: متی ٥: ٢٣- ٢٤ ؛ متی ١٨: ١٥ ؛ غلاطیان ٦: ١
کشف و گفتگو کنید: چگونه مسیحیان می‌باید تأدیب متقابل را بکار گیرند؟
ملاحظات: هر شخص مسیحی مسؤول است که تأدیب متقابل را بکار گیرد. مهم نیست اگر سایر مسیحیان نسبت به خدا، دیگران و یا شما گناه می‌کنند.

الف) هر مسیحی مسؤول است زمانی که می‌شنود شخص مسیحی دیگری با او مشکلی دارد بی درنگ آن مشکل را حل نماید.
در متی ٥: ٢٣- ٢٤، عیسی تعلیم می‌دهد که اگر به خاطر می‌آورید که برادری با شما مشکلی دارد، باید برای مصالحه با او پیش‌قدم شوید. تأدیب متقابل باید بصورت شخصی، محرمانه و با روشی ملایم و متواضعانه انجام شود.

ب) هر شخص مسیحی مسؤول است سایر مسیحیانی که نسبت به او مرتکب گناه می‌شوند، تأدیب نماید.
در موردی که دو شخص مسیحی مشاجره دارند یا یکی احساس می‌کند که دیگری نسبت به او خطا یا گناهی مرتکب شده است، قبل از اینکه پیران کلیسا یا تمام کلیسا در مشکل آنها دخیل شوند، ابتدا باید سعی کنند که مشکل را بین خودشان حل نمایند. در متی ١٨: ١٥ عیسی چنین تعلیم می‌دهد: «اگر برادرت به تو گناه کرده باشد، برو و او را میان خود و او در خلوت الزام کن. هرگاه سخن تو را گوش گرفت، برادر خود را دریافتی».

پ) هر شخص مسیحی مسؤول است سایر مسیحیانی را که در گناه افتاده اند، تأدیب نماید.
غلاطیان ٦: ١ چنین تعلیم می‌دهد: «اگر کسی به خطایی گرفتار شود، شما که روحانی هستید، چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید و خود را ملاحظه کن که مبادا تو نیز در تجربه افتی».

٤ - <u>تأدیب کلیسایی برای گناهانی که بیشتر ماهیت شخصی و انفرادی دارد.</u>

بخوانید: متی ۱۸: ۱۵- ۱۷
کشف و گفتگو کنید: چگونه کلیسا باید تأدیب را برای گناهانی که بیشتر ماهیت شخصی و انفرادی دارد، بکارگیرد؟
ملاحظات:

الف) <u>تأدیب کلیسایی</u>
تأدیب کلیسایی زمانی آغاز می‌شود که انضباط شخصی و تأدیب متقابل مثمرثمر واقع نمی‌گردد. در متی ۱۸: ۱۵- ۱۷ عیسی تعلیم می‌دهد که «اگر برادرت به تو گناه کرده باشد، برو و او را میان خود و او در خلوت الزام کن، هرگاه سخن تو را گوش گرفت، برادر خود را دریافتی؛ و اگر نشنود، یک یا دو نفر دیگر با خود بردار تا از زبان دو یا سه شاهد، هر سخنی ثابت شود. اگر سخن ایشان را رد کند، به کلیسا بگو، و اگر کلیسا را قبول نکند، در نزد تو مثل خارجی یا باجگیر باشد».

ب) <u>ترتیب و نحوه عملکرد تعیین شده</u>
۱) <u>سرزنش شدن بوسیله دو عضو</u>. برادر یا خواهر را فقط در حضور یک یا دو مسیحی دیگر سرزنش نما تا تعداد شاهدان کافی باشد.
۲) <u>سرزنش شدن بوسله پیران کلیسا</u>. اگر سرزنش کردن بوسیله دو عضو مثمرثمر واقع نشد، آنوقت موضوع را به کلیسا بگو. بهتر و پسندیده‌تر است که موضوع به تمام اعضای کلیسا در جمع گفته نشود، بلکه به پیران کلیسا بطور خصوصی گفته شود. چراکه آنها نماینده کلیسا می‌باشند. بعد از آن پیران کلیسا می‌باید آن برادر یا خواهر را تأدیب نمایند.
۳) <u>اخراج از کلیسا</u>. اگر شخصی خطاکار از پذیرش اصلاح پیران کلیسا امتناع می‌کند، پیران کلیسا می‌باید موضوع را به اطلاع کل کلیسا برسانند و رسماً این عضو را از عضویت کلیسا اخراج کنند. این نوع تأدیب اغلب «اخراج کردن» نامیده می‌شود. چرا که شخص گناهکار توبه‌نکرده از عضویت و شراکت در مراسم و انجام هرگونه خدمت در کلیسا کنار گذاشته می‌شود. بقیه اعضای کلیسا می‌باید نسبت به این تصمیم آگاه گردند و با او چون یک شخص غیر مسیحی رفتار کنند. منظور این نیست که با او چون یک دشمن رفتار کرده و از او دوری کنند، بلکه با او می‌باید چنان رفتار کنند که با سایر غیرمسیحیان رفتار می‌کنند. باید برای او دعا کنند، ارتباط خود را با او حفظ کنند و سعی کنند دوباره او را به سوی ایمان و تسلیم به عیسی مسیح بازگردانند.

٥ - <u>تأدیب کلیسایی برای گناهانی که بیشتر ماهیت عمومی‌دارد.</u>

بخوانید: رومیان ۱۲: ۱۷- ۲۱ ؛ اول قرنتیان ٥: ۱- ٥ , ۹- ۱۳ ؛ دوم تسالونیکیان ۳: ٦- ۱٥ ؛ دوم تیموتاؤس ۲: ۲٥- ۲٦ ؛ تیطس ۳: ۹- ۱۱ ؛ یعقوب ۲: ۱۲- ۱۳ ؛ سوم یوحنا ۹- ۱۰
کشف و گفتگو کنید: کلیسا چگونه باید تأدیب را برای گناهی که بیشتر ماهیت عمومی‌دارد را بکارگیرد؟
ملاحظات:

الف) <u>تأدیب کلیسایی</u>
۱) <u>داوری</u>. گناهان خاصی امکان دارد به نقطه‌ای برسند که فقط تأدیب عمومی بتواند کارساز باشد. بر اساس اول قرنتیان ٥، برای برادر یا خواهری که مرتکب فساد جنسی (زنا) شده، یا طماع، بت‌پرست، فحاش، میگسار یا شیاد (ستمگر) است، ضروری می‌باشد. بر اساس دوم تسالونیکیان فصل ۳، در ارتباط با برادر یا خواهری که بر اساس تعلیم مسیحی زندگی نمی‌کند، اما به جای آن شخصی تنبل و بیکاره و مشکل‌ساز (فضول، مداخله گر) در کلیسا می‌باشد، ضروری است. بر اساس تیطس فصل ۳، در مورد برادر یا خواهری که باعث تفرقه و جدایی در کلیسا می‌گردد ضروری می‌باشد.
۲) <u>داوری همراه با رحم و دلسوزی</u>. ترتیب و نحوه عملکرد تعیین شده تأدیب می‌باید همیشه در محبت مسیحی (اول قرنتیان ۱۳: ۱- ۸) و با رحم و دلسوزی انجام گردد. یعقوب ۲: ۱۲- ۱۳ می‌فرماید: «همچنین سخن گویید و عمل نمایید مانند کسانی که بر ایشان داوری به شریعت آزادی خواهد شد. زیرا آن داوری رحیم خواهد بود بر کسی که رحم نکرده است و رحم بر داوری مفتخر می‌شود». هر شخصی که طبق قانون اخلاقی خدا زندگی می‌کند (یعنی ده فرمان که در عهدجدید در این فرمان نوین خلاصه شده: «یکدیگر را همچنان محبت کنید که مسیح ما را محبت می‌کند» یوحنا ۱۳: ۲۳- ۲٥)، زندگی را در آزادی حقیقی سپری می‌نماید. در نقشه نجات، عدالت حکم می‌کند که شخص گناهکار محکوم گردد، اما رحم و شفقت، خواهان نجات یافتن شخص گناهکار می‌باشد. و رحم غالب است. به همین صورت در موضوع تأدیب کلیسایی، عدالت حکم می‌کند که شخص گناهکار محکوم گردد و رحم و دلسوزی خواهان واداشتن شخص گناهکار به توبه است. تا در نهایت رحم بر داوری غالب آید.

ب) <u>ترتیب عملکرد تعیین‌شده</u>
۱) <u>هشدار و اخطار به شخص گناهکار</u>. تیطس ۳: ۱۰- ۱۱ تعلیم می‌دهد که مسیحیان یا رهبران می‌باید حداقل دو بار به برادر یا خواهر گناهکار را در حضور اشخاصی که نسبت به آنها مرتکب خطا شده است، هشدار دهند (تذکر دهند تا متنبه کنند).

۲) خبر دادن و آگاه کردن کل کلیسا از رفتار و عملکرد شخص گناهکار. اگر شخص گناهکار به هشدار سایر مسیحیان یا پیران کلیسا توجهی نکند و گوش فرا نگیرد، تمام کلیسا را متوجه رفتار و عملکرد شخص گناهکار نمایید (سوم یوحنا ۹-۱۰). به تمام مسیحیان کلیسا هشدار دهید که شخص گناهکار و رفتار او را مورد توجه کامل قرار دهند (دوم تسالونیکیان ۳: ۱٤- ۱۵). تمام کلیسا می‌باید از گناه او و خطراتش آگاه باشند. با وجود این، نباید با شخص گناهکار چون یک دشمن رفتار کنند.

۳) نداشتن مشارکت و روابط شخصی با فرد گناهکار. اگر شخص گناهکار باز هم با شرمندگی در جمع تحت تأثیر قرار نگرفت و هنوز از توبه کردن امتناع کرد، تمام کلیسا می‌باید این شخص را مورد توجه قرار داده و مشارکت و روابط شخصی با فرد گناهکار نداشته باشند (دوم تسالونیکیان ۳: ۷ ، ۱٤). می‌باید از او دوری کنند، یعنی از او به این منظور اجتناب و پرهیز نمایند که شرمنده گردد.

اینگونه تأدیب شاید شدید یا ناعادلانه به نظر آید، اما کتاب مقدس دلیل خوبی برای این فرمان دارد. این نوع تأدیب برای گناهان کوچک و آشکار برای برادر یا خواهری که از گناه خود توبه می‌کند نمی‌باشد، حتی زمانی که گناه خیلی جدی باشد. این نوع تأدیب برای مسیحیانی می‌باشد که بعد از تکرار هشدار باز هم از توبه امتناع می‌نمایند. چنین گناهکاران توبه نکرده ای نه تنها زندگی خود را با گناهانشان نابود می‌کنند، بلکه سایر مسیحیان را آلوده کرده، آنها را مانند خود به گناه می‌کشانند. گناهانی که مستحق چنین تأدیب جدی‌ای می‌باشند، عبارتند از: فساد جنسی به هر صورت آن (اشاعه تصاویر جنسی، زنا، روسپی‌گری، همجنس‌گرایی)، طمع برای پول، بت پرستی که شامل انجام سحر و جادو می‌گردد، تهمت زدن یا پخش کردن تلخی و ناراحتی نسبت به دیگران (عبرانیان ۱۲: ۱۵)، توهین به خدا و ایمان مسیحی (اول تیموتاؤس ۱: ۱۹-۲۰)، مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، کلاهبرداری یا جنایت. به منظور حفظ خودشان از درگیر شدن در گناه او و آلوده شدن در اثر تلخی وی، بقیه مسیحیان می‌باید از او دوری نمایند. گناهکار ناتوبه کار ممکن است خود را طرد شده احساس کند و کاملاً بر ضد خدا و مسیحیان گردد و در نهایت نیز از دست برود. اما اگر کلیسا اجازه دهد که گناهکاران توبه نکرده به انجام گناه جدی خود در میان آنها ادامه دهند، اشخاص بسیاربیشتری از دست خواهند رفت. برای یک پیر کلیسا یا یک مشاور مسیحی کارآمد بهترین راه این است که سعی کند، ارتباط خود را با گناهکار توبه نکرده حفظ کند و سعی کند با مهربانی او را راهنمایی کند و متقاعد سازد که توبه نماید. (دوم تیموتاؤس ۲: ۲۵- ۲٦).

گناهکار توبه نکرده ممکن است در نهایت به دلیل رفتار و عملکرد خود عمیقاً احساس شرمندگی نماید و توبه کند. یک شخص مسیحی یا پیر کلیسا که ارتباط خود را با شخص گناهکار حفظ کرده می‌باید شخص گناهکار را از دور شدن از ایمان مسیحی حفظ کند (اول تیموتاؤس ٤: ۱٦).

٤) بالاخره، اخراج شخص گناهکار از عضویت و قطع ارتباط با او. اگر شرمنده کردن او در جمع و نداشتن ارتباط تأثیری در شخص گناهکار نگذاشت و او هنوز از توبه امتناع و خودداری می‌کند، کل کلیسا می‌باید شخص گناهکار را از کلیسا اخراج کنند. می‌باید او را از عضویت محروم نمایند (اول قرنتیان ۵: ۲) و با او همچون یک غیر مسیحی رفتار کنند (متی ۱۸: ۱۷). بدون مشارکت روحانی در داخل کلیسا، شخص گناهکار در معرض شیطان و هلاکت طبیعت گناه آلود خود قرار داده می‌شود (اول قرنتیان ۵: ٤- ۵). بریده شدن از عضویت و مشارکت کلیسا یک امر بسیار جدی می‌باشد. در مورد یک کلیسای ضعیف همچون کلیسای قرنتس، مسیحیان باید دیگر هیچ کاری با شخص گناهکار توبه نکرده، نداشته باشند (اول قرنتیان ۵: ۹ , ۱۱ ؛ تیطس ۳: ۱۰). با وجود این، مسیحیان از گرفتن انتقام منع شده اند (رومیان ۱۲: ۱۷- ۲۱). و اگر این شخص گناهکار بخواهد دوباره در کلیسا شرکت کند، مسیحیان باید به او اجازه داده و به او فرصت جدیدی برای توبه از گناه خویش بدهند. رحم و بخشش می‌باید همیشه بر داوری غالب آید (یعقوب ۲: ۱۳).

٦ - تأدیب کلیسایی برای گناه یک پیر یا رهبر کلیسا

بخوانید: تیطس ۱: ٦ ؛ اول تیموتاؤس ۳: ۲ ؛ ۵: ۱- ۲ ، ۱۷- ۲۰ ؛ غلاطیان ۲: ۱۱- ۱٦
کشف و گفتگو کنید: چگونه کلیسا باید گناه یک پیر کلیسا یا یکی از رهبران کلیسا را تأدیب نماید؟
ملاحظات:

الف) حداقل با حضور دو شاهد، پیر کلیسا باید بطور عمومی مورد سرزنش و توبیخ قرار گیرد.

در اول تیموتاؤس ۵: ۱۰- ۲۰ چنین آمده: «ادعایی بر یکی از کشیشان (پیران کلیسا) جز به زبان دو یا سه شاهد مپذیر. آنانی که گناه می‌کنند، پیش همه توبیخ فرما تا دیگران بترسند». پیران کلیسا یا سایر رهبران مسیحی از تأدیب مسیحی مستثنی نمی‌باشند. تمام مسیحیان معمولی می‌باید تعلیم و رفتار رهبران خود را مورد توجه قرار دهند و اگر رهبران تعالیم غلط می‌دهند یا بر اساس تعالیم مسیحی زندگی نمی‌نمایند، می‌باید مورد سرزنش و تأدیب قرار گیرند. پیران یا رهبران کلیسا که گناه می‌کنند، می‌باید در جمع مورد سرزنش و توبیخ قرار گیرند، یعنی بطور عمومی در شورای پیران کلیسا. اگر او از توبه امتناع نمود یا به توجیه نمودن عمل خود ادامه داد، در حالی که مقصر بودن او ثابت گردیده، می‌باید ابتدا از خدمت خود موقتاً اخراج گردد و تمام کلیسا متوجه عملکرد و رفتار او باشند. اگر او به سخت کردن قلب خود ادامه داد، تمام کلیسا می‌باید از برقرار کردن روابط شخصی با او خودداری کنند. اگر با وجود این، باز هم از توبه امتناع کرد، باید از عضویت اخراج گردد.

ب) یک پیر کلیسا یا حتی یک مسیحی مسن می‌باید بدون درنظر گرفتن سن یا مقامش در کلیسا مورد تأدیب قرار گیرد.
اول تیموتاؤس ٥: ١- ٢ تعلیم می‌دهد که شخص خطاکار می‌باید بدون درنظر گرفتن سنش مورد تأدیب و توبیخ قرار گیرد. و اول تیموتاؤس ٥: ١٩- ٢٠ تعلیم می‌دهد که شخص خطاکار می‌باید بدون در نظر گرفتن مقامش در کلیسا به عنوان پیر کلیسا مورد توبیخ و تأدیب قرار گیرد. و در غلاطیان ٢: ١١- ١٦ پولس رسول در توبیخ کردن رسولی دیگر در جمع به دلیل رفتار و عملکرد ریاکارانه اش هیچ تردیدی ننمود.
اگرچه بعضی از فرهنگها توبیخ یا اصلاح کردن شخص مسن‌تر یا رهبر را در اجتماع نفی می‌کنند، اما فرهنگ ملکوت دستور می‌دهد که هم رهبران و هم اشخاص مسن نیز باید توبیخ و اصلاح گردند. در مواردی اینچنین، فرهنگ ملی می‌باید تغییر کند و فرهنگ ملکوت باید شناسانده شده و بطور مداوم در کلیسا بکار گرفته شود.

پ) یک پیر کلیسا که درگیر فساد جنسی شده است، باید فوراً از خدمت بطور موقت کنار گذاشته شود.
یک رهبر یا پیر کلیسا که درگیر فساد جنسی شده است، می‌باید فوراً از خدمتش بطور موقت کنار گذاشته شود وتأدیب گردد، چرا که «رهبر می‌باید بی ملامت باشد». یکی از خصوصیاتی که خدا برای پیر کلیسا مشخص نموده، این است که او می‌باید «همسر یک زن» باشد. این بدین معناست که او نباید با زنان رفتار ناشایست داشته باشد، یا معتاد به تماشای تصاویر و فیلمهای مستهجن باشد، یا درگیر بت‌پرستی، زنا یا طلاق نباید باشد. همچنین به قسمت پ - ٤ در این درس نگاه کنید.

پ - شیوه و روش احیای گناهکار توبه کرده

١ - گناهکار باید توبه کند.

کشف و گفتگو کنید: معنی توبه چیست؟ چگونه گناهکار توبه‌کار باید توبه خود را نشان دهد، در صورتی که قبلاً نمی‌خواست توبه کند؟
ملاحظات: توبه به معنی تغییر در فکر می‌باشد. شخص گناهکار قبل از اینکه توبه کند، اغلب خود را بی‌گناه می‌داند و فکر می‌کند در آنچه انجام داده، محق می‌باشد. اما زمانی که توبه می‌کند، فکر خود را تغییر می‌دهد، درك می‌کند که خدا راست و حق است و او اشتباه.
توبه به معنی احساس پشیمانی و ندامت است، متأسف بودن درباره آنچه انجام شده، و تصمیم به اجتناب از خطاکاری. توبه به معنی روگرداندن از راه شریرانه خود و برگشتن به سوی خدا و طریق خدا می‌باشد. توبه به معنی این است که شخص در فکر، نگرش و رفتار خود اصلاح گردد.

الف) **بخوانید:** مزمور ٣٢: ١- ٥ . تا زمانی که شخص گناهکار از قبول گناه خود و اعتراف آن امتناع و خودداری کند، خدا او را نمی‌بخشد و در زندگی خود از عواقب بد مختلف آن رنج خواهد برد (همچنین نگاه کنید به رومیان ١: ١٨- ٣٢ ؛ اول قرنتیان ١١: ٣٠). گناه باید اقرار و اعتراف گردد.

ب) **بخوانید:** امثال ٢٨: ١٣؛ اشعیا ٥٧: ٢٠- ٢١. تا زمانی که شخص گناه خود را پنهان می‌کند هرگز موفق نخواهد شد. خدا می‌گوید که او آرامش را نخواهد دید، بلکه در زندگی خود فقط شاهد آشفتگی و نابسامانی خواهد بود.

پ) **بخوانید:** حزقیال ١٨: ٢١- ٣٢ ؛ متی ٣: ٦- ١٠ ؛ اعمال ٣: ١٩ ؛ ٢٦: ٢٠. توبه حقیقی فقط اقرار به گناه و اعتراف به آن نمی‌باشد. بلکه لازمه آن بازگشت واقعی از گناه گذشته و آغاز دوباره و سرسپردگی مداوم برای حفظ احکام خدا می‌باشد. لازمه توبه این است که ثمره آن دیده شود. گناهکار توبه‌کار باید بوسیله تغییر اعمال و رفتارش، توبه خود را ثابت نماید.

ت) **بخوانید:** لوقا ١٣: ١- ٥ . قصور و کوتاهی در توبه باعث هلاکت می‌گردد.

٢ - گناهکار باید غم الهی را از خود نشان دهد.

بخوانید: دوم قرنتیان ٧: ٨- ١٣
کشف و گفتگو کنید: تفاوت میان غم الهی و غم دنیوی چیست؟
ملاحظات:

الف) توبه حقیقی همیشه همراه غم الهی است.
پولس در رساله اول خود به قرنتیان فصل پنجم، کلیسا را سرزنش و ملامت می‌کند به دلیل اینکه نسبت به برادری که در یک رابطه جنسی نادرست زندگی می‌کرد، توبیخ و تأدیب را بکار نبرده بود. مسیحیان قرنتس یک گناه غیر قابل پذیرش را در میان خود تحمل می‌کردند. اگرچه مسیحیان قرنتس از نامه اول پولس دلشکسته گردیدند، اما واکنش مثبت نشان دادند و آن برادر را اخراج کردند. اکنون پولس در نامه دوم خود به آنها می‌گوید، نامه اول را ننوشتم که شما را محزون سازم، بلکه تا شما را به

توبه آورم. او گفت: «زیرا که غم شما برای خدا بود تا به هیچ وجه زیانی از ما به شما نرسد. زیرا غمی‌که برای خداست منشأ توبه می‌باشد به جهت نجات که از آن پشیمانی نیست، اما غم دنیوی منشأ موت است». پولس از اینکه نامه اولش باعث رنجش قرنتیان شده بود، متأسف بود؛ اما نتیجه آن باعث بوجود آمدن غم الهی و توبه شده بود، و آن چیزی بود که پولس به خاطر آن متأسف نبود.

ب) غم دنیایی
اگر مسیحیان قرنتس توبه حقیقی نکرده بودند، با غم دنیوی عکس العمل نشان می‌دادند. ایشان به‌گونه‌ای ریاکارانه سعی در توجیه خود می‌کردند یا در دام تلخی گرفتار می‌آمدند. آنها از توبیخ پولس احساس رنجش و ناراحتی می کردند و به دلیل عواقب ناخوشایند و رنج‌آور گناه خود متأسف بودند. اگر توبه واقعی نکرده بودند، بیشتر به حال خود دلسوزی می کردند تا پشیمانی و ندامت واقعی. آنها به جای برگشتن به سوی خدا بر علیه خدا به پا می‌خاستند. عیسو نمونه‌ای از غم دنیوی می‌باشد. در عبرانیان ۱۲: ۱٦- ۱۷ می‌خوانیم که او ابتدا حق نخستزادگی خود را فروخت و بعد از اینکه پشیمان شد، نتوانست نظر یعقوب را تغییر دهد، اگرچه با اشکها در جستجوی این برکت بر آمد. غم و اشکهای عیسو به‌خاطر از دست دادن حق نخستزادگی بود. نمونه دیگر غم دنیوی، شاؤل پادشاه است. در اول سموئیل ۱۵: ۱۷- ۳۱، غم و ناراحتی شاؤل و اعتراف او به گناه به این دلیل بود که می‌ترسید که در حضور مشایخ اسرائیل بی حرمت گردد (می‌ترسید آبروی خود را از دست بدهد). در لوقا ۲۳: ۲۹- ۳۱ غم و شیون زنان اورشلیم برای خرابی اورشلیم و معبد و از دست دادن خانواده‌های خود بود. «غم دنیوی منشأ موت است». در داوری نهایی، غیر ایمانداران و مردم نامطیع از خود «غم دنیوی» نشان می‌دهند، که در اشکها، ساییدن دندانها در جهنم به اوج می‌رسد (متی ۱۳: ٤۲ ؛ مکاشفه ٦: ۱۵- ۱۷).

پ) غم الهی
۱) غم الهی اثبات‌کننده نجات است. با وجود این، مسیحیان قرنتس واقعاً توبه کردند و آن را بوسیله غم الهی خود در پاسخ به توبیخ و سرزنش پولس ثابت نمودند. آنان واقعاً غمگین و محزون شدند، درست به همان گونه که خدا در نظر داشت. "زیرا غمی‌که برای خداست منشأ توبه می‌باشد به جهت نجات". درک این مطلب سخت است. مسیحیان قرنتس نجات یافته بودند. اگر مسیحیان قرنتس از سازش و پذیرش چنین فساد جنسی فاحشی در میان خود توبه نمی‌کردند، گرچه متحمل مصائبی می‌شدند، اما نجات خود را از دست نمی‌دادند، بلکه پاداش خود را از دست می‌دادند. بنابراین در اینجا منظور این نیست که توبه پایه و اساس نجات است و یا اینکه نجات هدف و نتیجه توبه است. بنیاد و پایه نجات هرگز توبه انسانی نیست، بلکه فیض خدا. ایمانداران قرنتس از سازش و پذیرش گناه در کلیسایشان توبه کردند. عبارت «زیرا غمی‌که برای خداست منشأ توبه می‌باشد به جهت نجات» به این معناست که توبه ایمانداران قرنتس معرف نجات آنهاست. توبه آنها ثابت کرد که آنها حقیقتاً نجات یافته اند (متی ۳: ۸). این حقیقت باعث تشویق بسیار زیاد پولس و تیموتاؤس گردید.
۲) داود پادشاه نمونه دیگری از «غم خدایی است که منشأ توبه است». او در مزمور ۵۱ می‌گوید: «از گناهم مرا طاهر کن، زیرا که من به معصیت خود اعتراف می‌کنم و گناهم همیشه در نظر من است. به تو و به تو تنها گناه ورزیده و در نظر تو این بدی را کرده‌ام. دل طاهر در من بیافرین و روح مستقیم در باطنم تازه ساز».
۳) تجلی غم الهی. در دوم قرنتیان ۷: ۱۱ در مورد ثمرات شایسته غم الهی می‌خوانیم، «زیرا اینک همین که غم شما برای خدا بود، چگونه کوشش، احتیاج، خشم، ترس، اشتیاق، غیرت انتقام را در شما پدید آورد. در هر چیز خود را ثابت کردید که در این امر مبرا هستید». در مقایسه با بی‌توجهی و بی‌تفاوتی اولیه نسبت به گناه در کلیسا، اکنون بسیار جدی شده بودند که «خود را طاهر و پاک سازند» و مشتاق بودند که خطاها را جبران کنند. آنها خشمگین بودند، نه از برادری که گناه کرده بود، بلکه از خودشان که چرا اجازه دادند یک چنین ننگی در کلیسای آنها بدون رسیدگی ادامه یابد. آنها باعث بی‌حرمتی نام خدا شده بودند. آنها از تنبیه و مجازات خدا و از اقتدار رسولی پولس برای داوری بر آنها می‌ترسیدند (اول قرنتیان ٤: ۲۱ «آیا با چوب نزد شما بیایم؟»). آنها می‌خواستند که با خدا در ارتباط صمیمی قرار داشته باشند و با پولس همچون قبل در اعتماد و محبت، متحد و یکدل باشند. آنها نگران و دلواپس برقراری مجدد احترام و جلال خدا و اقتدار رسولی پولس در میان خود بودند. آنها آماده بودند که ببینند چگونه با توبیخ و تأدیب شخص گناهکار و رد رسولان دروغین، که خود و عقاید خویش را به کلیسای آنها تحمیل کرده بودند، داوری انجام می‌گیرد. آنها با قرار دادن کلیسای خودشان تحت نظم و انضباط، ثابت کردن که در ارتباط با زنای آن برادر و تعالیم رسولان دروغین، بی گناه می‌باشند. آنها اقدام کرده، غم خدایی را بروز دادند. گذشته اصلاح شده بود و تا آنجایی که به این موضوع مربوط می‌گردید، آنها پاک و مبرا شده بودند.
٤) برانگیختن مردم با ترس. آیا این چیز خوبی است که مردم را به جای محبت با ترس برانگیخت؟ خدا در عهد عتیق و عیسی در عهد جدید اغلب مردم را با ترس آمدن داوری در صورت عدم توبه برمی‌انگیختند. اگر شما به مردم هشدار دهید که خانه آنها خواهد سوخت، شما آنها را با ترس برانگیخته‌اید، و اغلب این تنها راه است برای واداشتن آنها به عمل و دوری کردن از مصیبتی که در راه است. محبت کامل خدا، مانع راستی کامل و قدوسیت کامل او نمی‌گردد. و محبت به خدا مانع ترس سالم از خداوند نمی‌گردد. (امثال ۱: ۲۰- ۲۳).

۳ - گناهکار توبه کار می‌باید احیا گردد.

بخوانید: لوقا ۱۵: ۱۷- ۲٤ ؛ ۱۷: ۳ ؛ دوم قرنتیان ۲: ٥- ۱۱ ؛ عبرانیان ۸: ۱۲
کشف و گفتگو کنید: چگونه کلیسا باید شخص توبه‌کار را احیا سازد؟
ملاحظات:

الف) تأدیب، مجازاتی است که هدفش احیای شخص گناهکار می‌باشد.
تأدیب در واقع یک نوع مجازات و تنبیه است. اما هدف از تنبیه و مجازات، فروکش کردن خشم ما نسبت به شخص گناهکار نمی‌باشد بلکه احیای شخص گناهکار. هدف تأدیب به خود آوردن شخص گناهکار است تا توبه کند، رفتار خود را تغییر دهد و در نتیجه دوباره به اطاعت از خداوند عیسی مسیح بازگردد. در هر زمان، وقتی که شخص گناهکار از گناه خویش توبه کند، مسیحیان و کلیسا باید او را پذیرفته، احیا کنند. در دوم قرنتیان ۲: ٥- ۱۱ پولس رسول حکم می‌کند که کلیسا چگونه شخص گناهکار توبه‌کرده را بپذیرد و احیا کند. البته تخطی و گناه شخص گناهکار تمام کلیسا را محزون و غمگین می‌سازد. و با بکارگیری توبیخ و تأدیب، مسیحیان و کل کلیسا شخص خاطی و گناهکار را مجازات می‌کنند. اما زمانی که چنین شخصی توبه می‌کند، مسیحیان و تمام کلیسا باید او را ببخشند و تسلی داده، دوباره او را مورد محبت قرار دهند.

ب) بخشیدن گناهکار توبه‌کار
در لوقا ۱۷: ۳ عیسی چنین امر می‌کند: «اگر برادرت به تو خطا ورزد او را تنبیه کن و اگر توبه کند او را ببخش». شخصی که به دلیل گناهی که مرتکب شده، احساس تقصیر و گناه می‌کند و یا عمیقاً شرمنده است، به شدت نیاز دارد که بخشش کامل را از خدا، از شخصی که نسبت به او مرتکب گناه شده یا کلیسایی که نسبت به آن مرتکب گناه شده، دریافت کند. در متی ٦: ١٤- ١٥ عیسی مسیح چنین تعلیم می‌دهد: «زیرا هرگاه تقصیرات مردم را بدیشان بیامرزید، پدر آسمانی شما، شما را نیز خواهد آمرزید. اما اگر تقصیرهای مردم را نیامرزید، پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزید». و در افسسیان ٤: ۳۲ کلام خدا تعلیم می‌دهد که «با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است». مسیحیان می‌باید دقیقاً به همان صورتی که خدا در مسیح تمام گناهان ما را بخشیده است، گناهکار توبه‌کار را ببخشند. وقتی بخشیدند، دیگر هرگز نباید در مورد آن گناه صحبت کنند (عبرانیان ۸: ۱۲).

پ) تسلی دادن و تأئید مجدد گناهکار توبه‌کار
مسیحیان می‌باید دقیقاً به همان صورتی با گناهکاران توبه‌کار رفتار کنند که مسیح به‌هنگام توبه ما با ما رفتار کرد. مسیحیان باید گناهکار توبه‌کار را تسلی دهند، مبادا درغم و ناراحتی بیش از حد غرق گردد. همچنین باید با پذیرش مجدد او به عضویت کلیسا و داشتن مشارکت با وی، محبت خود را نسیت به او دوباره برقرار سازند. دقت کنید که پدر با پسر گمشده‌اش زمانی که توبه کرد چگونه رفتار نمود (لوقا ۱۵: ۱۷- ۲٤).

٤ - احیای یک رهبر توبه کار

الف) مسأله بازگشت رهبر توبه‌کار به محل خدمت
این قسمت در ارتباط با بازگشت یک رهبر مسیحی یا یک پیربه خدمت کلیسا می‌باشد. کلیسا چگونه باید یک رهبر یا پیر کلیسا را که به دلیل گناهی به‌طور موقت از کار خود کنار گذاشته شده و یا حتی از عضویت اخراج شده است دوباره به کار خود بازگرداند؟ اگر او حقیقتاً توبه کرده و زندگی خود را تغییر داده باشد، آیا باید به او اجازه داد که دوباره در کلیسا مشغول خدمت و کار گردد؟
این موضوعی است بسیار حساس در میان مسیحیان. علاوه بر نکاتی که در بالا در مورد تأدیب کلیسایی ذکر شد، در کتاب‌مقدس در خصوص این نکته بحث بیشتری نشده است.

ب) اشخاصی که معتقدند نباید شخص به رهبری یا کار خود در کلیسا دوباره باز گردد.
بسیاری از رهبران مسیحی معتقدند که رهبری که یک بار درگیر فساد جنسی گردید، می‌باید برای همیشه از هر نوع خدمتی در کلیسا کنار گذاشته شود. آنها معتقدند که ممکن است او را به عنوان یک عضو کلیسا دوباره پذیرفت، اما نه هرگز به عنوان رهبر یا پیر در کلیسا.

پ) افرادی که معتقد به استثناهایی در پذیرش دوباره شخص به کار یا خدمت رهبری در کلیسا می‌باشند.
بقیه رهبران مسیحی قدرت رحمت و فیض خدا را در بخشیدن و تغییر و تبدیل بنیادی زندگی در هم شکسته بوسیله توبه و تقدیس قبول دارند. ایشان معتقدند که امکان دارد در این قاعده کلی یعنی اجازه ندادن به چنین شخصی برای بازگشت به خدمت کلیسا، استثناهایی وجود داشته باشد. اگر شواهدی قوی دال بر این حقیقت وجود داشته باشد که الگوهای جدید شخصیت مسیحی بطور کامل و عمیق برای یک دوره زمانی قابل توجه برای مثال پنج سال در زندگی آن شخص پایدار و برقرار مانده است، آنوقت می‌توان دوباره از او برای کار کلیسا یا رهبری در بعضی از خدمات کلیسایی استفاده نمود. خدا موسی را بعد از اینکه مرتکب

قتل گردید، دوباره به عنوان رهبر قرار داد (خروج ۱۲: ۱۱- ۱۲ ؛۳۴: ۱۰). خدا دوباره به شمشون بعد از اینکه سوگند و عهد نذیره بودن را شکست، قدرت بخشید (داوران ۱٦: ۱۷- ۳۰). خدا داود پادشاه را بعد از اینکه مرتکب قتل و زنا گردید دوباره احیا نمود (دوم سموئیل ۱۱: ۱- ۱۲: ۱٤). خدا مَنَسی پادشاه را بعد از اینکه قوم اسرائیل را به شدت به سوی بت‌پرستی، جادوگری و احضار ارواح سوق داد، دوباره اجابت نموده و استوار ساخت (دوم تواریخ ۳۳: ۱- ۱٦). و اول تیموتاؤس ٥: ۱۹- ۲۰ از توبیخ علنی پیر کلیسایی که مرتکب گناه شده، سخن می‌گوید، اما صحبتی از کنار گذاشتن او برای همیشه از خدمت نمی‌کند.

ت) تصمیم نهایی
در هر مورد، این رهبران کلیسا هستند که باید در ارتباط با این موضوع حرف نهایی را بزنند و اعضای کلیسا می‌باید به تصمیم آنان احترام بگذارند.

ت - رهنمودهایی برای تأدیب

۱- تشخیص و درک مشکلات

مقدمه: برای توبیخ و اصلاح شخص گناهکار، باید ابتدا حقایق مورد نیاز را جمع‌آوری کنید و بکوشید ریشه اصلی مشکلات را تشخیص دهید و خصوصاً باید بتوانید بین ظاهر مشکل و ریشه آن تمایز قائل شوید.
ظاهر مشکل، عمل یا عکس‌العمل قابل رؤیتی است که در گفته‌ها و نگرشها و احساسات شخص گناهکار مشاهده می‌شود. برای مثال، او در مورد برادری که نسبت به او خطایی مرتکب شده، غیبت می‌کند.
ریشه مشکل، عمل یا عکس العمل غیر قابل رؤیتی است که در افکار و نگرشها و احساساتِ مخفی شخص گناهکار نهفته است. برای مثال او از آن برادر عصبانی و ناراحت است.
کشف و گفتگو کنید: در هر یک از موارد کتاب مقدسی ذیل ظاهر مشکل و ریشه مشکل چه می‌باشد؟
ملاحظات: موارد زیر نمونه هایی هستند از کتاب مقدس در مورد ظاهر مشکلات و ریشه‌های حقیقی که سرمنشأ آنها می‌باشد.

الف) **بخوانید:** دوم تواریخ ۳۳: ۱- ٦ ، ۲۱- ۲۲. ظاهر مشکل آمون پاشاه این بود که با انسانهای ناباب و نادرست یعنی بت‌پرستان معاشر گردید. ریشه مشکل او این بود که از خانواده‌ای از هم‌گسیخته بیرون آمده بود، جایی که پدر او خود نیز بت‌پرست بود.
ب) **بخوانید:** مزمور ۳۲: ۱- ٤. ظاهر مشکل نویسنده مزمور این است که نمی‌تواند بخوابد، قوتی ندارد یا از نگرانی مریض شده است. ریشه مشکل این است که برای گناهی که مرتکب شده است احساس تقصیر می‌نماید.
پ) **بخوانید:** لوقا ۸: ۱۱ ، ۱٤. ظاهر مشکل این شخص این است که یک مسیحی نابالغ باقی مانده و ثمری نداشته است. ریشه مشکل این است که او به ثروت و لذات این جهان بیش از کلام خدا علاقه دارد.
ت) **بخوانید:** رومیان ۱: ۱۸- ۳۲. ظاهر مشکل غیر یهودیان (امت‌ها) این است که از نظر اخلاقی فاسد هستند. آنها مرتکب فساد جنسی، بت‌پرستی یا جنایت می‌گردند. ریشه مشکل آنها این است که حقایق الهی را با دروغ جایگزین کرده‌اند.
ث) **بخوانید:** دوم قرنتیان ٤: ۲ ؛ افسسیان ٥: ۸- ۱۲. ظاهر مشکل بعضی از مردم این است که افکاری افسارگسیخته دارند و اعمال شریرانه را در جامعه تأئید می‌کنند. ریشه مشکل آنها این است که دارای گناهی مخفی در زندگی خود هستند و سعی می‌کنند آن را بپوشانند.
ج) **بخوانید:** افسسیان ٤: ۱۳- ۱٥. ظاهر مشکل این مردم این است که به راحتی بوسیله تعالیم غلط گمراه می‌گردند. ریشه مشکل آنها این است که در ایمان خود رشد نکرده و بالغ نشده‌اند و اعتقادات کتاب‌مقدسی خود را توسعه و پرورش نداده‌اند.
چ) **بخوانید:** اول تیموتاؤس ۱: ۱۹. ظاهر مشکل این دو شخص این بود که ایمان خود را به عیسی مسیح از دست داده اند. ریشه مشکل آنها این بود که وجدان پاك را رد کرده بودند.

۲ - روش بکارگیری تأدیب

تعلیم دهید: کتاب‌مقدس در مورد بکارگیری تأدیب چند اصل را تعلیم می‌دهد.

الف) تأدیب گناهکار در راستی و حقیقت
متی ۷: ۱- ۲ تعلیم می‌دهد که مسیحیان نباید درباره سایر مردم دست به حدس و گمان یا داوری بی پایه و اساس بزنند. یوحنا ۷: ۲٤ تعلیم می‌دهد که نباید بر اساس ظاهر مردم و یا صرفاً بر اساس شایعات در مورد شخص دیگری داوری نماییم (غیبت). یوحنا ۱۸: ۲۳ تعلیم می‌دهد که در مورد آنچه واقعاً گفته شده یا اتفاق افتاده باید مدارك یا گواهانی داشته باشیم (حقیقت). امثال ۱۸: ۱۷ تعلیم می‌دهد که باید قضیه را از زبان و دیدگاه هر دو طرف ماجرا بشنویم. دوم تیموتاؤس ۳: ۱٦ تعلیم می‌دهد که کتاب مقدس تنها معیار و ملاک برای حقیقت می‌باشد.

ب) تأدیب منصفانه گناهکار
لاویان ۱۹ و تثنیه ۱۷: ۱۸- ۱۹ تعلیم می‌دهد که مسیحیان باید شخص گناهکار را منصفانه و عادلانه داوری کنند. هرگز نباید نسبت به مردم از خود طرف‌داری یا غرض‌ورزی نشان دهیم. کتاب مقدس تبعیض و جانب‌داری را ممنوع می‌کند. امثال ۱۷: ۸ ،۲۳ تعلیم می‌دهد که برای مسیحیان گرفتن یا دادن رشوه به‌منظور منحرف کردن داوری یا به هر دلیل دیگر اکیداً ممنوع شده است.
اول قرنتیان ٦: ۱۱ تعلیم می‌دهد که ترجیحاً باید مورد خود را برای قضاوت پیش برادران مسیحی ببریم تا دادگاه دنیایی، چرا که بی‌ایمانان از اصول کتاب مقدس آگاهی ندارند و دارای ملاک‌ها و معیارهای ارزشی متفاوتی هستند.

پ) تأدیب قاطعانه گناهکار
امثال ۲۷: ٥ می‌فرماید: "تنبیه آشکار از محبت پنهان بهتر است". تنبیه و توبیخ شامل چندین جنبه احتمالی اصلاح می‌گردد.

۱) آشکار کردن. بر اساس افسسیان ٥: ۱۱- ۱۳، باید تأدیب را با آشکار کردن گناه خاصی که شخص گناهکار مرتکب شده است، آغاز کنیم. شخص گناهکار باید به وضوح و آشکارا بداند که گناه او چه بوده است. مطمئن بشوید که شخص گناهکار فهمیده است که چرا عمل او از دیدگاه خدا اشتباه است.

۲) توبیخ. بر اساس امثال ۲۸: ۲۳، می‌باید گناهکار را با نکوهش کردن یا مورد تأئید قرار ندادن رفتارش، توبیخ و تنبیه نماییم.

۳) رد کردن. بر اساس تیطس ۱: ۹ در صورت لزوم، زمانی که شخص گناهکار بدون دلیل موجه سعی در مبرا کردن خود دارد باید دلایل او را رد کنیم. با این همه باید به شخص گناهکار فرصت دهیم که رفتار و علکرد خود را توضیح دهد. امکان دارد شخص گناهکار دلیل موجهی داشته باشد که ما نادیده گرفته‌ایم. اگر ما فرض و تصور اشتباهی داشته‌ایم یا تهمت ناروایی زده‌ایم، لازم است که معذرت خواهی کنیم.

٤) متقاعد کردن.

٥) محکوم کردن. در این فاصله، می‌باید دعا کنیم که روح القدس شخص گناهکار را متقاعد سازد که گناه کرده است و نشان دهد که گناهش جدی بوده است، تا اینکه بخاطر گناهش احساس شرمندگی یا تقصیر نماید و بخواهد که توبه کند (یوحنا ١٦: ٨).

٦) اصلاح کردن. بالاخره بر اساس ۲ تیموتاؤس ۳: ١٦ می‌باید شخص گناهکار را کمک کنیم تا به راه درست برود و بدین طریق او را اصلاح نماییم.

۷) تنبیه و مجازات. و اگر شخص گناهکار به دلیل حماقت، تکبر یا نافرمانی، با سخت کردن قلب خود برعلیه برادران یا خواهران خود، یا از طریق ستیزه‌جویی بر علیه اقتدار پیران کلیسا، به نافرمانی ادامه دهد، آنوقت می‌باید شخص گناهکار را به روش مناسب تنبیه و مجازات کرد (عبرانیان ۱۲: ٦ ؛ امثال ۲۲: ۱٥).

ت) توبیخ و تأدیب گناهکار در محبت
هدف از تنبیه شخص گناهکار، کلاً اصلاح و احیا کردن او می‌باشد. مسیحیان می‌باید از طریق تأدیب شخص گناهکار و تأدیب گناه او به روش کتاب مقدسی، وی را محبت نمایند. با ساکت ماندن و نشان ندادن هیچ عکس‌العملی در برابر گناه، شخص گناهکار در نهایت نابود و تباه خواهد شد، کلیسا اعتبار خود را از دست خواهد داد و حرمت خدا از میان خواهد رفت. زمانی که گناهکار توبه می‌کند، مسیحیان می‌باید با بخشیدن او و با پذیرفتن او در مشارکت‌های مسیحی، او را محبت نمایند.

٥	**دعا (۸ دقیقه)** **دعای در پاسخ به کلام خدا**

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

٦	**تکلیف منزل (۲ دقیقه)** **برای درس بعدی**

(**سر گروه:** رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
به ایمانداران جدید آنچه را که کتاب مقدس در باره تأدیب و احیا تعلیم میدهد آموزش دهید. هر مسیحی را تشویق کنید که برای خود انظباطی، تأدیب متقابل و انظباط کلیسایی خود را مسئول ببینند.
۲ - برای یك فرد یا گروه، موضوع " کابرد تأدیب و توبیخ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از یك فصل از دوم پطرس ۱- ۳ و نامه یهودا را بخوانید. از روش حقیقت محبوب و روش طرح پرسش استفاده کنید و یادداشت بردارید.
٤ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (تربیت کردن در خداوند - افسسیان ٦: ٤) را حفظ کنید. هر روز آخرین ٥ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
٥ - بررسی کتاب‌مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۱۸) را در خانه آماده کنید. از روش ٥ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
٦ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ٥: ۳).
۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر(یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.